

A Critique and Analysis of the Current of Contemplation "Tadabbur in Quran and Sirah Cultural Institute" *

Mahdi Kahaki**
Mahmoud Karimi***

Abstract

In the contemporary era, we are witnessing the emergence of various meditation trends in the Islamic world, especially in Iran, with a particular focus on meditation in the Holy Quran. Among these movements is the Tadabbur Cultural Institute of Tadabbur in the Quran and Sacred History of Mashhad, which continues its activities to promote Quranic culture under the leadership of Hojjat al-Islam Elohezadeh and the management of Hojjat al-Islam Mahdi Maggi. In this study, we seek to investigate this movement and discuss its possible strengths and weaknesses. The research methodology at the information collection stage includes library research, surveys, and field interviews, while the critique and review stage employs a descriptive-analytical approach. According to our investigations, the most important strengths of this movement are its attention to the course and direction of guidance in the surahs, its focus on training teachers in the field of contemplation, its international activities, and its emphasis on integrating the Quran with daily life. On the other hand, the main potential drawbacks of this trend include avoiding interpretation under the guise of contemplation, weaknesses in applying contemplation topics, and differing intellectual foundations among instructors.

Keywords: Critique, Cultural institute, Current of contemplation

* Received: 2024-10-23

Revised: 2025-01-11

Accepted: 2025-02-09

** PhD student of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Imam Sadiq University (AS). Tehran, Iran. Email: mahdykahaky@gmail.com

*** PhD graduate Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology, Imam Sadiq University. Tehran, Iran. Email: karimiimahmoud@gmail.com



نقد و تحلیل جریان تدبری «مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره»*

** مهدی کهکی
*** محمود کریمی

چکیده

در دوران معاصر شاهد شکل‌گیری جریان‌های فکری و تدبری گوناگونی در جهان اسلام و ایران در خصوص فهم قرآن کریم و تدبر در آن هستیم. با توجه به پراکندگی که در فعالیت‌های جریان‌های تدبری مشاهده می‌شود، ضرورت دارد این جریان‌ها با دقت و اتقان علمی مورد بررسی قرار گیرند. از جمله آن‌ها، جریان تدبری «مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره» مشهد است که تحت اشراف آقای محمدحسین الهی‌زاده و مدیریت آقای مهدی مقامی فعالیت می‌کند. این مطالعه در صدد بررسی این جریان و بیان نقاط قوت و ضعف آن است. روش انجام این پژوهش در مرحله جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای، پیمایشی و مصاحبه میدانی و در مرحله نقد و بررسی به روش توصیفی - تحلیلی است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، مهم‌ترین نقاط قوت این جریان، توجه به سیر و جهت هدایتی سوره‌ها، تربیت مربی در عرصه تدبر، فعالیت‌های بین‌المللی و توجه به سیره اهل بیت علیهم السلام در کنار قرآن کریم، و مهم‌ترین نقاط ضعف آن، گریز از تفسیر به اسم تدبر، ضعف در کاربردی ساختن مباحث تدبری، و مبانی فکری متفاوت در بین اساتید است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تدبر، الهی‌زاده، تفسیر قرآن، ایران معاصر، مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱
** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (ع). تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
mahdykahaky@gmail.com ایمیل:
*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (ع). تهران، ایران. ایمیل:
karimiimahmoud@gmail.com



۱- بیان مسئله

تدبر به معنای اندیشیدن در عاقبت کارها، عواقب امور و نتایج عملکردهاست و نتیجه‌اش کشف حقایق و مسائلی است که نیل به آنها صرفاً با آن نوع اندیشیدن مقدور خواهد بود. به عبارت دیگر، «تدبر» به معنای تفکر عمیق و مستمر در ورای ظاهر گفتارها، نوشته‌ها و اعمال انسان، برای روشن شدن چهره واقعی و ظاهر شدن باطن امور می‌است (راغب، ۱۴۱۲: ۳۰۷). تدبر معنایی اخصّ از «تفکر» دارد؛ زیرا تدبر، ژرف‌اندیشی و دقت نظر در نتایج، سرانجام‌ها، عواقب رفتارها و پدیده‌ها و به طور کلی نظر عمیق انداختن به سرنوشت آینده انسان و جهان است (زمخشری، ۱۹۷۹، ج ۱: ۱۸۲). ولی تفکر، معنای وسیع‌تری دارد؛ زیرا تفکر، علاوه بر اندیشیدن در عواقب، آثار و معلول‌ها، شامل اندیشه در علل و اسباب و روابط اشیاء نیز می‌شود. به طور خلاصه، تدبر، دقت پیاپی در عواقب و نتایج امور و اما تفکر، اندیشه در علل و دلایل است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۴۴).

امروزه و در دوران معاصر با توجه به فاصله گرفتن جامعه مسلمانان و مخصوصاً غیر عرب‌زبان‌ها از قرآن و میراث اسلامی به دلیل ناهماهنگی با زبان آنها، شاهد دوری نسل‌ها و افراد از قرآن کریم هستیم. وجود روش‌های ناکارآمد در مدارس و دانشگاه‌ها و اجباری بودن آنها نیز مزید بر علت شده است. در این راستا و برای مقابله با آن، مقام معظم رهبری از حدود سال ۱۳۷۲ بحث تدبر در قرآن را مطرح کردند تا جامعه دوباره به سمت آشنایی با قرآن و مفاهیم قرآنی روی بیاورد. زیرا تا قبل از آن مواجهه مردم با قرآن فقط در حد ترجمه آن بوده و معمولاً از تفسیر به دلیل عربی بودن آن و در نتیجه دشواری فهم آن برای فارسی‌زبانان و همچنین ترس از تفسیر به رأی، اجتناب می‌شد.

سال‌ها بعد شورای عالی انقلاب فرهنگی، در راستای توسعه فرهنگ قرآنی در کشور، منشور توسعه فرهنگ قرآنی را تصویب کرد. بدین منظور، منشور توسعه فرهنگ قرآنی، که مبین منویات نظام جمهوری اسلامی در مواجهه با تعالیم قرآن، در مقام علم، اعتقاد و عمل در سطح ملی و بین‌المللی است، در تاریخ ۱۳۸۸/۰۲/۲۲ به تصویب رسید (فریدونی، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

ایجاد مقدمات آموزشی رجوع به قرآن و تدبیر در آن، بر عهده نظام آموزش عمومی قرآن کریم است. ولی با توجه به نواقص موجود در این نظام آموزشی در ایران، چه در آموزش و پرورش و چه در آموزش عالی، نیاز به مؤسساتی مردم‌نهاد در جهت تقویت و پشتیبانی آموزش قرآن بیش از پیش احساس می‌شود. فهم عمومی قرآن باید با ضوابط خاص خود باشد تا قرآن‌آموزان از خطر تفسیر به رأی و برداشت‌های نادرست و التقاطی در امان بمانند. از سوی دیگر، این فهم عمومی نباید با آنچه به صورت تخصصی و توسط دانشمندان قرآن‌شناس از مجموع معارف قرآن استخراج می‌شود، اختلاف و تضادی داشته باشد. بر این اساس تعیین ضوابط تدبیر در قرآن و بررسی نتایج و محصولات تدبری اهمیت دوچندانی در دوران معاصر می‌یابد. با توجه به آنکه امروزه در ایران شاهد چندین جریان تدبری معروف هستیم و هر یک مدعی بحث تدبر هستند، شناسایی و تحلیل این جریان‌ها و میزان کارایی آنها در پاسخ به این نیازها ضروری است. لذا در این مقاله جریان تدبری مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مسئله اصلی در این پژوهش، نقد و تحلیل مؤلفه‌های تدبر و میزان کارآمدی و تحقق آنها در روش تدبری «مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره» است. بر این اساس، این مطالعه به دنبال بیان نقاط قوت و نقاط ضعف آن از حیث روش تدبر، ابزار

و منابع تدبر، نحله فکری و در نهایت محصولات تدبری و میزان اثرگذاری بر مخاطبان است. نتیجه این مقاله می‌تواند در فرآیند بازتعریف مراحل تدبر در قرآن کریم مؤثر باشد تا از نقاط قوت آن استفاده و از نقاط ضعف آن اجتناب شود. روش انجام این پژوهش در مرحله جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای، پیمایشی و مصاحبه میدانی و در مرحله نقد و بررسی به روش توصیفی - تحلیلی است.

مؤسسه تدبر در قرآن و سیره تحت نظارت محمدحسین الهی‌زاده و مدیریت مهدی مقامی است. محمد حسین الهی‌زاده از سال ۱۳۷۲ در حوزه علمیه مشهد درس خارج اصول و فقه را تحت اشراف محمد علم‌الهدی و علی فلسفی تلمذ نمود و از سال ۱۳۷۴ برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت کرد و مدت ۱۰ سال در دروس آیه الله عبدالله جوادی آملی شرکت نمود. وی نیز اکنون در حوزه علمیه مشهد به تدریس مشغول است.

در باب پیشینه موضوع لازم به ذکر است پایان‌نامه «بررسی و نقد دو شیوه رایج تدبر در قرآن در ایران» حمید نصرتی (۱۳۹۶) سعی کرده تا با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و نقد دو شیوه رایج تدبر در قرآن در ایران (شیوه محمدحسین الهی‌زاده و علی صیوحی طسوجی) بپردازد و کارکردهای آن را در ایران و دیگر جوامع اسلامی بررسی نماید. چنان‌که ملاحظه می‌شود گونه‌شناسی و کشف نقاط قوت و ضعف روش‌های تدبر در این پایان‌نامه انجام نشده است. از مطالعات تدبری دوران معاصر نیز می‌توان به «پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن» (ولی الله نقی پورفر)، «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» (محمدعلی لسانی فشارکی، حسین مرادی زنجانی)، «روش‌ها و مبانی تدبر در قرآن کریم» (حسین مرادی زنجانی) اشاره کرد. در این آثار

نیز مسئله این مقاله مورد بحث قرار نگرفته است. مقاله پیش رو ابتدا ویژگی‌های این جریان تدبری را بررسی می‌کند و سپس به نقد و تحلیل آن خواهد پرداخت.

۲- مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها

مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های روش تدبری عبارت است از تأکید بر اقامه قرآن، توجه خاص به تدبر موضوعی، توجه خاص به تدبر ترتیبی، بیان احادیث مرتبط با جهت هدایتی سوره و ابتدا بر تفسیر المیزان. این روش تدبری از حیث مبانی صدور قائل به وحیانی بودن قرآن کریم و انسجام ساختاری آن در چینش میان سوره‌ها و نیز چینش آیات هر سوره، عصمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در ابلاغ وحی، جدایی ناپذیری قرآن و سنت و نیز عدم تحریف قرآن کریم است. همچنین این روش تدبری از حیث مبانی دلالتی فهم قرآن کریم قائل به حجیت ظواهر قرآن کریم، قابل فهم بودن قرآن برای همه انسان‌ها، امکان، جواز و لزوم فهم آن و نیز لایه‌ها و سطوح مختلف فهم قرآن کریم است (الهی‌زاده، ۱۴۰۳: ۴۵).

تدبر از منظر این مجموعه، با توجه به ماده این کلمه که از ریشه دبر و با توجه به هیئت آن که در باب «تَفَعَّلَ» است و با توجه به کاربردهای قرآنی آن، به معنای تفهم روشمند قرآن و دریافت از قرآن کریم است (مقامی، ۱۳۹۶: ۱۹). در واقع طبق مبانی این روش تدبری، مقصود از فرآیند تدبر، برداشت از قرآن کریم نیست، بلکه باید به دنبال دریافت و کسب فهم بود، زیرا در تدبر (در باب تفعل) حالت مطاوعه و پذیرش وجود دارد (مقامی، ۱۳۹۶: ۲۱).

همچنین از منظر این جریان تدبری حداقل محتوای تدبر، عبارت است از کلامی که معنای کاملی داشته باشد و دیگر منتظر ادامه یافتن آن نباشیم و به قول معروف

سکوت بر آن صحیح باشد (الهی‌زاده، ۱۴۰۳: ۶۶). این مقدار در ادبیات قرآنی و تفسیری تقریباً مشابه با همان سیاق است. از این رو فهم هماهنگی میان آیات یک سیاق قرآنی را تدبر «درون آیات» می‌نامند (الهی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۹). از دیگر اختصاصات این جریان این است که تدبر، به دنبال کشف غرض سوره یا آیات نیست، بلکه به دنبال کشف جهت‌گیری سوره است (الهی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۳). این جهت‌گیری در بیانات مقام معظم رهبری با عبارت «مراد آیه» بیان شده است (بیانات در تاریخ ۱۳۷۷/۰۷/۱۸) (مقامی، ۱۳۹۶: ۲۴).

در این نحوه از تدبر، تدبر مقدمه تفسیر نیست، بلکه تدبر سطحی از فهم است و نوع فهم باید مبتنی بر لفظ باشد، و برای این کار همان آشنایی عمومی با زبان عربی کافی است و نیازی به آشنایی تخصصی و اجتهادی با زبان عربی حداقل — در ابتدای امر — نیست (مقامی، ۱۳۹۵: ۳۲)، لذا در تدبر فهم نباید بر سایر امور همچون عقل، روایت و دریافت‌های تجربی مبتنی باشد (الهی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۰). بر این اساس تدبر امری تشکیکی و دارای مراتب است و هر چه میزان آشنایی با زبان عربی بیشتر شود، شفافیت لفظ بیشتر می‌شود و تدبر عمیق‌تری صورت می‌گیرد (مقامی، ۱۳۹۵: ۳۲). اکنون به بررسی تفصیلی مهم‌ترین ویژگی‌های روش تدبری می‌پردازیم:

۲-۱- تأکید بر اقامه قرآن

از جمله ویژگی‌های این مؤسسه از لحاظ اجتماعی، تأکید بر بحث اقامه قرآن کریم است. از این رو کتابی با عنوان درسنامه اقامه قرآن توسط این مجموعه به رشته تحریر در آمده است. اقامه قرآن در ادامه پرداختن به موضوع کلی‌تری به نام اقامه دین است. اقامه دین نیز عبارت است از حفظ آن به وسیله پیروی از دستورات آن و عمل مطابق

با آن (کهکی، ۱۳۹۸: ۱۹). اگر اقامه و حاکمیت قرآن در بُعد اجتماعی صورت بگیرد، که به نوعی همان اقامه دین است، همه نیازهای مادی و معنوی بشر تأمین خواهد شد: (وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ...) (المائدة ۶۶)، لذا اگر سعی شود تا قرآن اقامه شود، همه چیز در سایه آن قابل دسترسی است و تمام امکانات مادی و معنوی عالم هستی در اختیار انسان قرار گرفته و می‌تواند با تصرف و بکارگیری درست آنها به سعادت خود نزدیک‌تر شود.

از منظر این مجموعه انواع فعالیت‌های قرآنی عبارتند از: مرحله انس با قرآن، مرحله فهم قرآن، مرحله کسب معارف قرآنی، مرحله فرهنگ سازی قرآنی و نهایتاً مرحله عمل به قرآن. وقتی قرآن به مرحله عمل رسید اگر در بُعد فردی عمل به قرآن انجام شود هنوز اقامه قرآن به صورت کامل شکل نگرفته است، اما وقتی به عرصه اجتماع و عمل اجتماعی توسط همه اقشار جامعه و در همه زمینه‌ها صورت پذیرد، در این صورت است که می‌توانیم بگوییم اقامه قرآن محقق شده است. تمدن و حیانی هم که عبارت است از پیشرفت جامعه در دو بُعد مادی و معنوی، از ثمرات اقامه قرآن است (الهی‌زاده، ۱۳۹۶: ۷۲). لذا تا اقامه قرآن انجام نشود، صحبت از تمدن نوین اسلامی هم معنایی نخواهد داشت.

۲-۲. توجه خاص به تدبر ترتیبی

از جمله آثار این مؤسسه کتاب «درسنامه تدبر ترتیبی قرآن» است که شامل توضیح مبانی، مبادی و روش‌های تدبر ترتیبی در قرآن کریم است. تدبر ترتیبی قرآن کریم نگاهی روشمند، مجموعی و منسجم به آیات قرآن دارد. بدین وسیله زمینه فهم و انس هر چه بیشتر با متن قرآن فراهم می‌آید و بستر تذکر قرآنی فراهم آمده و در نهایت

عمل به آن از جانب شخص متدبر انتظار می‌رود. در این کتاب که نقش بسزایی در تربیت مربیان تدبر دارد، بعد از بیان مقدمه در ابتدا به توضیح چیستی تدبر و معنای لغوی و اصطلاحی آن می‌پردازند که به دلیل توضیح مفصل این عناوین در فصل اول از بیان تفصیلی آن اجتناب می‌کنیم، ولی در حد اجمال می‌توان گفت که مراد از تدبر از منظر ایشان «تفهّم روشمند و هماهنگ ظاهر متن قرآن کریم» است (الهی‌زاده، ۱۴۰۳: ۲۲).

ایشان در خصوص تفاوت تدبر با فعالیت‌های دیگر قرآنی همچون ترجمه و تفسیر نیز بیان می‌دارند که تدبر، نگاهی پیوسته به آیات قرآن کریم دارد، ولی در ترجمه معمولاً چنین نگاهی وجود ندارد (الهی‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۸). اما همین اشکال می‌تواند در تدبر موضوعی به تدبر نیز وارد شود، زیرا پیوستگی آیات و نظم موجود در بین آنها در نظر گرفته نمی‌شود و آیات معمولاً جدای از سیاق و سوره خود بررسی می‌شوند. از سوی دیگر تدبر به معنای فهم و دریافت معنای آیات قرآن، ولی ترجمه به معنای معادل‌سازی واژگان قرآنی است. دیگر اینکه تدبر فعالیتی عمومی است، ولی ترجمه فعالیتی تخصصی است.

اما با دقت در این آراء به نظر می‌رسد که ایراداتی به آن وارد است؛ یک ایراد مهم این است که در این روش تدبری، بحث تدبر را قسیم و هم‌عرض ترجمه و تفسیر گرفته‌اند، در حالی که تدبر از آنها جدا نیست و مانند روح کلی در همه آنها وجود دارد. به عنوان مثال در حین تدبر در قرآن کریم قطعاً ترجمه آن را بایستی تا حدی فهمیده باشیم، در غیر این صورت تدبر چندان تحقق نمی‌یابد. در خصوص تفسیر نیز وقتی داریم به تفسیر قرآن می‌پردازیم، در واقع خودش نوعی تدبر در قرآن کریم است. ایشان پس از بیان ضرورت تدبر از منظر قرآن و سیره، به تقسیمات تدبر می‌پردازند. تقسیم تدبر به تدبر ترتیبی و موضوعی، تقسیم تدبر از نگاه روش است. بر

این اساس اگر یک موضوع خاص را مد نظر قرار دهیم و به تدبر پیرامون آن در قرآن کریم بپردازیم، از روش تدبر موضوعی استفاده کرده و اگر از ابتدای قرآن یا از ابتدای هر یک از سوره شروع به تدبر کنیم، به تدبر ترتیبی پرداخته‌ایم.

از نگاه محدوده و وسعت تدبر نیز که ایشان از آن به «گستره تدبر» تعبیر می‌کنند، اگر درون آیات یک سیاق قرآنی را مد نظر قرار دهیم، تدبر «درون آیات» نامیده شده و اگر به دنبال فهم هماهنگی آیات درون یک سوره باشیم تدبر «درون سوره‌ای» و اگر به دنبال فهم هماهنگی میان سوره‌های قرآن باشیم تدبر «میان سوره‌ای» نامیده می‌شود (الهی‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۸). به عنوان مثال در خصوص سوره مبارکه فجر، پس از بیان شناسه سوره یعنی اینکه هشتاد و نهمین سوره و قبل از سوره بلد و بعد از سوره غاشیه است، به معنای تدبری سوره که در واقع همان ترجمه بوده، پرداخته‌اند (الهی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۹۷).

سپس به ساختار سوره که شامل سه سیاق است، اشاره شده که سیاق اول عبارت است از ۵ آیه ابتدایی سوره که قسم و سوگند است، سیاق دوم از آیه ۶ تا ۲۶ که خود سه دسته آیات دارد. در تقسیم‌بندی این دسته‌ها نیز عواملی همچون معنای آیات، تغییر لحن کلام با حروفی هم چون «ف» و «کَلَّا» و غیرهما است. سیاق سوم نیز ۴ آیه پایانی سوره یعنی ۲۷ تا ۳۰ است (الهی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۹۹).

با مراجعه به تفسیر المیزان درمی‌یابیم که ایشان همه آیات این سوره را تحت یک سیاق آورده‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۲۷۳). در حالی که در اینجا شاهد بودیم که آیات این سوره که ۳۰ آیه هستند و در رسم الخط معروف کمی بیش از یک صفحه هستند، به ۳ سیاق تقسیم شده و سیاق دوم خود به سه دسته کوچک‌تر تقسیم شده است. لذا به نظر می‌رسد که لفظ سیاق در اینجا تنها یک مشترک لفظی است تا یک

مفهوم ثابت. زیرا از مصادیق آن در این کتاب می‌توان فهمید که صرفاً تقسیم‌بندی آیات هر سوره مد نظر است و هدف از این کار هم تسهیل آموزش آن به قرآن‌آموزانی است که شاید نتوانند به خوبی با زبان عربی ارتباط برقرار کنند. لذا لازم است تا سوره‌های قرآن به نحوی آسان و قابل فهم برای آنها توضیح داده شود؛ بر این اساس چنین تقسیم‌بندی‌هایی صورت می‌گیرد.

در ادامه بیان این سوره نیز توضیحاتی ذیل عنوان‌های جهت سوره و متن سوره آورده می‌شود که به نظر می‌رسد تفاوت آنها با تفسیر یا ترجمه این باشد که محدودیت ترجمه را ندارد و به نوعی شبیه به ترجمه آزاد است. تفاوت آن با تفسیر نیز می‌تواند این باشد که قیود و پیچیدگی‌هایی که در تفاسیر مرسوم وجود دارد، اینجا به چشم نمی‌خورد؛ لذا آموزش آن را آسان‌تر می‌کند. به عنوان مثال در خصوص آیه (يُقُولُ يَا أَيُّهَا الْقَوْمُ الْقَدِّمْتُ لِحَيَاتِي) (الفجر / ۲۴) این‌گونه آمده است که ای کاش برای زندگی آخرتم که حیات واقعی من است قدمی برداشته بودم، در تعبیر «قَدِّمْتُ لِحَيَاتِي» حیات را به آخرت اختصاص داده است. این مطلب نشان از این دارد که گویا حیات او در دنیا اصلاً حیات به حساب نیامده است (الهی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۰۸).

۲-۳. توجه خاص به تدبر موضوعی

قرآن کریم کتابی حکیمانه است که از جانب خداوند حکیم نازل شده است. افزون بر معنا و مفهوم آن، الفاظ و کلمات آن نیز از جانب خداوند متعال است. از سوی دیگر اصل در هر زبانی این است که تفاوت واژگان به تفاوت در معنا منجر می‌شود و می‌توان گفت که دو واژه‌ای که صد در صد به یک معنا باشند، وجود ندارد (عسکری، ۱۴۰۰: ۱۳). این نکته در خصوص قرآن کریم و با توجه به اصل حکمت الهی بسیار

برجسته تر جلوه می‌کند. بر این اساس، کاربرد الفاظ و واژگان قرآن کریم بدون حکمت و بی دلیل نیست و هر واژه یا ریشه در جای خود به کار رفته است و حتماً غرضی عقلایی در ورای آن نهفته است.

در این راستا، کتاب «تدبر موضوعی در قرآن کریم» شامل سه فصل است؛ فصل اول حاوی مبادی و مبانی تدبر موضوعی در قرآن؛ فصل دوم حاوی روش تدبر موضوعی در قرآن کریم و فصل سوم نیز به عنوان مطالعه موردی به بررسی موضوع شفاعت به عنوان یک مصداق برای تدبر موضوعی در قرآن کریم می‌پردازد.

در خصوص انگیزه و هدف از انتشار چنین اثری، به ضرورت وجود روشی نظام‌مند در جهت مراجعه به قرآن و استخراج نظرات قرآن پیرامون نیازها و انتظاراتی که در فضای علمی و فرهنگی کشور وجود دارد، اشاره شده است (الهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۳). بر این اساس این اثر به دنبال آن است تا روشی سودمند در جهت تأمین نیازهای معرفتی جامعه بشری و در عین حال مقدمه‌ای برای ورود به تفسیر موضوعی و ترتیبی به علاقه‌مندان ارائه دهد.

درباره چستی تدبر موضوعی، ایشان تدبر موضوعی را «تفهم مجموعی روشمند یک موضوع، در ظاهر قرآن» معرفی می‌کنند. اما منظور از تفهم، فهم متفرع بر تفهیم قرآن کریم است. یعنی قرآن به دنبال ایجاد یک فهم در درون شخص متدبر است و او باید با تدبر به دنبال کسب این فهم باشد. در تفهم متن، باید از فهم سباقی آیات — معنایی که از نص و ظاهر الفاظ آیات به ذهن می‌آید — بهره گرفت. اگر تفهم متن با فهم سباقی میسر نشد، باید به فهم سیاقی پرداخت (الهی‌زاده، ۱۳۹۲: ب: ۳۳).

فهم سیاقی فهمی است که از ملاحظه ارتباط میان جملات متن به دست می‌آید. در صورت نیاز می‌توان از فهم قیاسی — فهمی که در آن، تناسبها، تقابلها و

مشترکات دسته‌های آیات دیده می‌شوند — نیز استفاده کرد. گاهی برای تفهم متن لازم است علاوه بر فهم قیاسی، فهم مجموعی نیز به دست آید. فهم مجموعی، تفهم مجموعه نکات قانونی میان دسته‌های یاد شده در متن است که سیر واحدی دارند. بدین‌سان فهم متن باید رویکرد هدایتی داشته باشد (الهی‌زاده، ۱۳۹۲: ب: ۳۴).

منظور از روشمند بودن نیز این است که از یک سو، نتیجه‌ها بر موارد متعدد قابل تطبیق و ارزیابی باشد و از سوی دیگر، بتوان آن را تعلیم داد و تعلّم نمود. در این صورت است که فرآیند تدبر، فرآیندی روشمند و قانونمند می‌شود؛ در غیر این صورت ممکن است دچار فهم سلیقه‌ای یا ذوقی شویم که قابل تعلیم و تعلّم هم نیست. مراد از ظاهر قرآن نیز تدبر بر اساس ظاهر الفاظ قرآن کریم است که این اصل یکی از اصول اساسی تدبر در قرآن است (الهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۸).

اما در خصوص اینکه چرا تدبر موضوعی را پیشنهاد می‌دهند، این‌گونه بیان می‌دارند که تدبر موضوعی راه کشف هماهنگی و گشودن تعارض‌های ظاهری قرآن کریم است؛ یعنی همان موضوعی که خود قرآن کریم هم به آن اشاره کرده است: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (النساء / ۸۲). از سوی دیگر برای جامعه علمی کشور، امروزه کارآیی تدبر موضوعی بسیار گسترده است (الهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۵).

سؤالی که ممکن است در اینجا پیش آید این است که با توجه به این همه تأکید بر تدبر موضوعی، اساساً چه تفاوتی میان تدبر موضوعی و تفسیر موضوعی وجود دارد؟ و چرا از همان مسیر تفسیر موضوعی به بررسی موضوعات مد نظر خود در قرآن کریم نپردازیم؟ ایشان در پاسخ به این سؤال بیان می‌دارند که در تفاسیر موضوعی دوران حاضر، معمولاً به تمام آیات مرتبط با آن موضوع خاص پرداخته

نمی‌شود، در حالی که در تدبیر موضوعی همه آیات مرتبط با بحث بررسی می‌شوند. ثانیاً در تدبیر موضوعی منبع فقط قرآن کریم و سیره معصومان علیهم السلام است، در حالی که در تفسیر موضوعی از منابع دیگر همچون عقل نیز بهره برده می‌شود. از سوی دیگر تدبیر موضوعی وظیفه‌ای همگانی است، ولی تفسیر موضوعی کاری تخصصی و وظیفه متخصصان دینی است (الهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۷).

از جمله موضوعاتی که بررسی شده، بحث شفاعت است. ایشان در خصوص شفاعت به تعریف و ماهیت شفاعت، انواع و اقسام شفاعت، شافعان و شفاعت‌شوندگان، شرایط شافعان و شفاعت‌شوندگان، آثار شفاعت و در نهایت به عوامل محرومیت از شفاعت می‌پردازند. اما در خصوص اینکه چرا این موضوع انتخاب شده است بیان می‌کنند که یکی از مباحث مهم اشاره شده در قرآن بحث شفاعت است و هر یک از فرق اسلامی با توجه به مبانی و روش‌های خود تعریف و برداشت متفاوتی از بحث شفاعت دارند (الهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۶). لذا مهم است که نظر قرآن، بدون در نظر گرفتن تعصبات فرقه‌ای فهم شود.

در ابتدا به تعریف لغوی و اصطلاحی شفاعت می‌پردازند که در لغت شفع را به معنای زوج و جفت می‌دانند که در مقابل وتر به معنای تک آمده است (وَالشَّفْعُ وَ الْوُتْرُ) (الفجر / ۳). در اصطلاح نیز معنای اصطلاحی آن را برگرفته از معنای لغوی آن می‌دانند و بیان می‌کنند که شفاعت به معنای پیوست و همراه نمودن خواهش و وساطت خود به ایمان و عمل ناقص خود است تا مقبول درگاه الهی واقع شود، اما در اینجا دیگر از آیات قرآن شاهد مثالی نمی‌آورند.

۲-۴. بیان سیره و احادیث مرتبط با جهت هدایتی سوره

از دیگر ویژگی‌های این روش تدبیری این است که در خلال مباحث تدبیری قرآن کریم، از روایات معصومان علیهم السلام به تناسب بحث استفاده می‌شود (الهی‌زاده، ۱۳۹۶:

۱۵۷). به عنوان مثال در خصوص سورة ماعون که به اهمیت نماز اشاره دارد و در قالب هشدار به نمازگزاران وارد شده (فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ) (الماعون / ۴)، این حدیث شریف را از امام باقر علیه السلام نقل کرده‌اند که ایشان در خصوص اهمیت نماز می‌فرمایند: «نخستین چیزی که در روز قیامت محاسبه می‌شود نماز است، اگر نماز کسی پذیرفته شود، اعمال دیگر او نیز پذیرفته خواهد شد، اگر نماز کسی اول وقت به درگاه خدا بالا رود، درخشان و تابان به سوی صاحبش بازمی‌گردد» (کلینی، ۱۳۹۰، ۳: ۲۶۸). در مبحثی دیگر عنوان کلی این است که احادیث مرتبط با بحث و سوره گفته شود. لذا در خصوص سورة ماعون به این دو حدیث اشاره کرده‌اند: حدیث اول که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند هر کس که روز خود را آغاز کند و به مشکلات مسلمانان اهمیت ندهد از آنان نیست و هر که فریاد کمک‌خواهی فردی را بشنود و به کمک نشتابد مسلمان نیست (کلینی، ۱۳۹۰، ۲: ۱۶۴).

در حدیث دوم نیز از ایشان نقل شده که چند چیز است که در هر فردی باشد مؤمن حقیقی است و درهای بهشت به سویش باز است. از جمله کسی که وضویش را شاداب بگیرد، نمازش را به خوبی به جای آورد، زکات مالش را بپردازد و خشم خود را نگه دارد (برقی، ۱۳۷۱، ۱: ۲۹۰). طبیعتاً بیان چنین احادیثی هم در فهم سوره کمک شایانی می‌کند و هم اتصال حقیقی بین قرآن و عترت را بیش از پیش برای قرآن‌آموزان به صورت عینی و مصداقی بیان می‌دارد.

۲-۵. ابتدا بر تفسیر المیزان

مؤسس این مجموعه تدبری یعنی حجه الاسلام محمدحسین الهی‌زاده از شاگردان بارز آیت الله جوادی آملی در در درس تفسیر بوده و سبک تدبری ایشان به صورت طبیعی تا حد زیادی متأثر از سبک تفسیری آیت الله جوادی آملی است و ایشان نیز از

شاگردان برجسته علامه طباطبایی بوده و در درس تفسیر خود بسیار از ایشان یاد کرده و به نقد و بررسی آرای تفسیری استاد خود یعنی علامه طباطبایی می‌پردازند. بر این اساس سبک استاد الهی‌زاده نیز تا حد زیادی مبتنی بر تفسیر ارزشمند «المیزان» و بر مبنای ساختار فکری علامه طباطبایی است. این موضوع را در خلال آثار ایشان نیز می‌توان یافت. از جمله اینکه این مطلب صریحاً در مقدمه کتاب درسنامه تدبر قرآن کریم آمده است. آنجا اشاره می‌شود که آن مجلد پس از سال‌ها تلاش استاد در طرح تدبر در قرآن کریم که با الهام از تفسیر گرانسنگ «المیزان» مرحوم علامه طباطبایی صورت گرفته، آماده شده است (الهی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰). بر این اساس می‌توان گفت که یکی از منابع فکری مهم در خصوص این شیوة تدبری، سبک تفسیری و تدبری علامه طباطبایی و در دوران حاضر، عبدالله جوادی آملی است.

از آن گذشته، در خصوص بررسی تدبری سوره‌های قرآن کریم نیز از همان سوره‌های جزء سی که طبیعتاً حجم کمی هم دارند، ایشان به تقسیم‌بندی آیات هر سوره می‌پردازند و از سیاق نیز اسم می‌برند (برای مثال ر.ک: الهی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۱ و ۱۷۷). این روش و سبک نیز در واقع همان سبک تفسیری علامه طباطبایی در تفسیر المیزان جهت بررسی سوره‌های قرآن کریم است که البته این امر یعنی سیاق‌بندی، خود را بیشتر در سوره‌های بزرگ‌تر نشان می‌دهد.

از جمله دیگر شواهد این امر تأکید بر تدبر ترتیبی و تدبر موضوعی در قرآن کریم است و اصولاً این‌گونه تقسیم‌بندی برگرفته از سنت تفسیری ایشان است. اما در خصوص تدبر ترتیبی باید گفت که این امر به نظر می‌رسد برگرفته از همان روش کلی و سنتی مفسران و مخصوصاً علامه طباطبایی در تفسیر المیزان است. اما تدبر موضوعی نیز می‌تواند ملهم از بحث‌های موضوعی مرحوم علامه که در سرتاسر تفسیر

المیزان مشاهده می‌شود، باشد. به عنوان مثال بحث تدبر موضوعی شفاعت که محمدحسین الهی‌زاده در کتاب تدبر موضوعی خود به عنوان یک مصداق بیان می‌کنند، در ذیل آیه ۴۷ و ۴۸ سورة بقره، مرحوم علامه با توجه به عبارت (وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ...) (البقرة ۴۸) بحث مفصلی در خصوص شفاعت، انواع آن، شافعین، مشفوعان و مانند آن دارند.

۲-۶. ابتدای تدبر بر تکلیف

از جمله مبانی فکری و عملی این مؤسسه این است که مخاطب تدبر در قرآن کریم را افراد مکلف می‌داند. دلیل آن هم این است که خطاب قرآن در آیات تدبر و توبیخی که بر عدم تدبر وجود دارد، نمی‌تواند بر امری مستحبی باشد؛ لذا بر امری واجب است و اگر وجوب دارد پس خطاب به افراد مکلف است. نتیجه این می‌شود که بحث تدبر برای غیرمکلفین مطرح نمی‌شود، لذا برگزاری دوره‌هایی با عنوان تدبر در قرآن برای کودکان از منظر این مؤسسه کاری نادرست تلقی می‌گردد.

از جمله آثار منفی تدبر برای کودکان این است که معنا و مفهوم تدبر از جایگاه اصلی خویش تنزل یافته و کودک فکر می‌کند که مراد از تدبر در قرآن همان است که در دوران کودکی و با توجه به سطح فهم او برایش گفته شده، لذا وقتی بزرگ‌تر شد، دیگر به سمت قرآن کریم و تدبر در آن نمی‌رود. همچنین با توجه به اینکه بر افراد غیر مکلف از لحاظ شرعی تکلیفی نیست، لذا اساساً کودکان مورد خطاب آیات تدبر واقع نمی‌شوند، زیرا به سن تکلیف و خطاب نرسیده‌اند.

پیشنهادی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که می‌توان محتوای ساده قرآنی را در قالب قصه‌های قرآنی یا داستان‌ها و مثل‌های قرآنی برای کودکان بیان کرد تا کم‌کم با ادبیات و مفاهیم قرآنی آشنا شوند و وقتی بزرگ‌تر شدند وارد مباحثی

همچون تدبیر شوند تا هم تدبیر در ذهن آنها امری ساده تلقی نگردد و هم اینکه مسئله تدبیر در قرآن کریم در جایگاه و سن مناسب به آنها عرضه شود (مصاحبه با حجة الاسلام مهدی مقامی، ۱۴۰۳/۰۷/۰۷).

۳- نقد و تحلیل

پس از بیان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مؤسسه فرهنگی تدبیر در قرآن و سیره، اکنون نقاط قوت و کاستی‌های احتمالی این جریان مورد نقد و تحلیل قرار گرفته و در قالب نقاط قوت و نقاط ضعف ارائه می‌گردد. طبیعتاً در این راه یعنی مسیر آموزش تدبیر در قرآن، این مؤسسه دارای نقاط قوت و نیز احیاناً نقاط ضعفی است که در این بخش هر دو بُعد این مسئله را مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. هدف از این بخش، شناخت هر چه بهتر این جریان و کمک به جریان تدبیری کشور از طریق تقویت نقاط قوت و توسعه آنها به سایر جریان‌های تدبیری، و از سوی دیگر سعی و تلاش در جهت برطرف ساختن نقاط ضعف است.

۳-۱. نقاط قوت

در پی تلاش‌های مجموع اساتید، مربیان و پژوهشگران، این مؤسسه به عنوان یکی از مؤسسات فعال در عرصه تدبیر در قرآن و سیره شناخته می‌شود و به پاس برخی از این تلاش‌ها و اجرای موفقیت‌آمیز طرح ملی اولوالالباب در سال ۹۴، این مؤسسه به عنوان برترین مؤسسه در عرصه تدبیر در قرآن و در سال ۹۷ چهارمین مؤسسه برتر کشوری، معرفی و از آن قدردانی شد. اکنون به بیان نقاط قوت این شیوه تدبیری می‌پردازیم:

۳-۱-۱. توجه به «سیر و جهت هدایتی» هر سوره

از جمله مباحثی که در خلال آثار این شیوة تدبری به چشم می‌خورد تأکید بر بحث «جهت هدایتی» سوره و توضیح و تبیین آن در طول بیان مباحث تدبری هر سوره است. اینکه یک سوره غرض هدایتی دارد شاید بتوان برگرفته از مکتب فکری علامه طباطبائی رحمت الله علیه دانست. زیرا ایشان در خلال مباحث مربوط به تفسیر المیزان سعی در بیان سیر و غرض اصلی هر سوره دارند که به مثابه یک نخ تسبیح، محتوای هر سوره را حول خود جمع می‌کند. به عنوان مثال می‌توان به بحث ایشان در سورة انبیاء اشاره کرد.

ایشان در آنجا بیان می‌دارند که غرض این سوره بیان نبوت بر اساس توحید و معاد است، لذا سوره را با یاد نزدیک شدن روز قیامت و غفلت مردم از آن شروع می‌کنند. سپس در ادامه در خصوص آیه ۱۶ و ۱۷ این‌طور بیان می‌دارند که این دو آیه، نزول عذاب بر قریه‌های ظالم که خداوند فرو شکستن آن را یاد کرده، تذکر می‌دهند و این حجتی برهانی بر وجود معاد و در ذیل آن نبوت است که در واقع همان غرض اصلی از بیان مطالب و سیر چینش در آن سوره است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۴: ۲۵۹).

از همین رو در آثار این مؤسسه نیز شاهد بیان سیر هدایتی و جهت‌گیری سوره هستیم. به عنوان مثال در مسیر تدبر در سوره‌ها پس از گام اول یعنی تلاوت و ترجمه، و گام دوم یعنی تفهم ساختار سوره در گام سوم تدبر در این سوره به بیان جهت هدایتی آن می‌پردازند که در در خصوص سورة کافرون این جهت هدایتی این است که کافران پس از اینکه راه‌های مختلفی همچون تشویق، تهدید، آزار و اذیت را آزمودند و نتیجه‌ای نگرفتند، رو به سیاست و نقشه سازش کارانه آوردند. در این شرایط بود که

سورة کافرون نازل شد و به بیان وظایف بندگی و اصلاح عبودیت بندگان پرداخت، لذا جهت هدایتی این سوره «توحید عملی در عبودیت خدا» است (الهی زاده، ۱۳۹۶: ۶۴). همچنین از منظر این مجموعه، تدبر در قرآن به صورت کلی دارای جهت است، زیرا خود قرآن جهت نبوی و علوی دارد و حتماً اگر به صورت درست و بی غرض در آن تدبر شود، به اهل بیت عصمت و طهارت رهنمون خواهد شد؛ لذا اگر شاهد عدم این امر هستیم، در واقع تدبری در قرآن صورت نگرفته است. همان طور که حدیث شریف بیان می دارد که اگر مردم در آیات قرآن کریم تدبر می کردند، در فضیلت و برتری ما اهل بیت شک نمی کردند.^۱

۳-۱-۲. توجه به مبانی، روش و مصادیق تدبر در قرآن

از جمله آثار مؤسسه تدبر در کلام وحی کتاب «درسنامه تدبر ترتیبی قرآن» و نیز «درسنامه تدبر موضوعی قرآن» است که شامل توضیح مبانی، مبادی و روش های تدبر ترتیبی در قرآن کریم است. تقسیم تدبر به تدبر ترتیبی و موضوعی تقسیم تدبر از نگاه روش است. بر این اساس اگر یک موضوع خاص را مد نظر قرار دهیم و به تدبر پیرامون آن در قرآن کریم بپردازیم، از روش تدبر موضوعی استفاده کرده و اگر از ابتدای قرآن یا از ابتدای هر یک از سور شروع به تدبر کنیم، به تدبر ترتیبی پرداخته ایم (الهی زاده، ۱۳۹۴: ۳۶).

از نگاه محدوده و وسعت تدبر نیز که ایشان از آن به «گستره تدبر» تعبیر می کنند، اگر درون آیات یک سیاق قرآنی را مد نظر قرار دهیم، تدبر «درون آیات» نامیده شده و اگر به دنبال فهم هماهنگی آیات درون یک سوره باشیم، تدبر «درون سوره ای» و

۱. «... يَا مُفْضِلُ لَوْ تَدَبَّرَ الْقُرْآنَ شَبِعْتَنَا لَمَّا شَكُّوا فِي فَضْلِنَا...» (خصیبی، ۱۴۱۹: ۴۱۹).

اگر به دنبال فهم هماهنگی میان سوره‌های قرآن باشیم، تدبر «میان سوره‌ای» نامیده می‌شود (الهی‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۸).

علاوه بر این، ایشان در کتاب درسنامه تدبر ترتیبی در قرآن کریم، به معرفی و بیان تفصیلی مبانی تدبر در قرآن، اصول تدبر در قرآن و نیز روش تدبر در قرآن کریم پرداخته‌اند. از جمله مبانی تدبر در قرآن کریم، می‌توان به این موارد اشاره کرد: جمع قرآن به صورت بین الدفتین در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تحریف‌ناپذیری قرآن و نکات مربوط به زبان قرآن است (الهی‌زاده، ۱۴۰۳: ۴۳).

در خصوص جمع قرآن و نیز تحریف‌ناپذیری قرآن که دو رکن مهم از ارکان تمسک به این کتاب الهی به صورت مفصل در سایر کتب علوم قرآنی بحث شده است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۵، ۱: ۲۴؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱۵). اما در خصوص زبان قرآن ایشان به چهار ویژگی اشاره می‌کنند که ویژگی اول عبارت است از شفاهی بودن زبان قرآن، یعنی قرآن تکیه بر قرائت و خواندن دارد (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) (العلق / ۱) (وَ أَنْ أَتْلُوهُ الْقُرْآنَ...) (النمل / ۹۲). البته ناگفته نماند که استشهاد به آیه فوق، استدلال کاملی نیست، زیرا معنای تلاوت با قرائت فرق دارد و اصل آن به معنای پیروی و تبعیت و دنباله‌روی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۸: ۱۳۴). کما اینکه در خصوص خورشید و ماه داریم که ماه به دنبال خورشید می‌رود (وَ الشَّمْسُ وَ ضُحَاهَا * وَ الْقَمَرُ إِذَا تَلَاها) (الشمس / ۱-۲).

از ویژگی‌های کلام شفاهی و گفتاری این است که متکلم در بیان جملات مختلف نیاز به علائم خاصی ندارد و تنها با تغییرات آوایی و کلامی می‌تواند مقصود خود را از جمله تعجب، پرسش و تأکید به متکلم برساند. در قرآن نیز چون از چنین علائمی استفاده نمی‌شود و تأکید آن بر قرائت و استماع است، پس با زبان گفتار تفاوتی ندارد

(الهی زاده، ۱۳۹۴: ۷۴). ویژگی دوم زبان قرآن عبارت است از واقع‌نمایی زبان قرآن، به این معنا که قرآن صرفاً به نظریه‌پردازی و فرضیه‌سازی نمی‌پردازد، بلکه حکایت‌گر واقعیت بیرونی است. از این رو سخن و زبان قرآن کریم عینی است و نه ذهنی (الهی زاده، ۱۳۹۴: ۷۵).

ویژگی سوم زبان قرآن عبارت است از برتری ادبیات قرآن بر ادبیات عرب، یعنی ادبیات قرآنی نه پیرو ادبیات عرب است و نه ادبیاتی تازه آورده است بلکه به نوعی شاهد و ناظر بر آن است و با تسلط و هیمنه‌ای که بر آن دارد (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ...) (المائدة ۴۸) در بیشتر موارد مؤید آن است و در مواردی نیز به اصلاح آن پرداخته است. از جمله شواهد تفاوت بین ادبیات قرآنی و ادبیات عرب این است که در ادبیات عرب، «من» موصول مشترک برای ذوی العقول و «ما» موصول مشترک برای غیرذوی العقول به کار می‌رود ولی در قرآن کریم این قاعده رعایت نشده همچون آیه (وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ...) (النساء/ ۳) لذا قرآن بر اساس معنا و مقصود کلام به استفاده از مفردات مناسب دست زده است.

ویژگی چهارم زبان قرآن نیز از منظر این مجموعه تدبیری عرفی بودن زبان قرآن کریم است. یعنی دین اسلام حتی در بیان احکام و شرایع اسلامی به عرف عام اهمیت داده و پس از اصلاح و رفع نواقص، از آن حمایت کرده است، لذا نمی‌توان ادعا کرد آیات الهی زبانی بیرون از چارچوب زبان عرف عام است (الهی زاده، ۱۳۹۴: ۷۷). نتیجه این بحث این است که در فهم و ترجمه لغات و عبارات قرآنی، برای بیان و دست یافتن به معنای آن باید به زبان عرف عام توجه داشت، و نه به اصطلاحات خاص در علوم عقلی، فلسفی، فقهی و عرفانی. بلکه همه این موارد نیاز به قرینه دارد.

در این صورت است که قرآن برای همه قابل استفاده است (...هُدًى لِلنَّاسِ...) (البقرة ۱۸۵) در غیر این صورت قرآن تنها برای گروه خاصی قابل فهم خواهد بود. از جمله موارد توجه به مصادیق تدبر در قرآن نیز می‌توان به همان بحث شفاعت که در کتاب تدبر موضوعی بررسی شده، اشاره کرد. افزون بر این، تألیف کتبی با موضوعات اقامه قرآن یا تربیت سیاسی — اجتماعی و وحیانی یا عمل به قرآن، خود مصادیقی از تدبر به شمار می‌آیند که به صورت غیر مستقیم نشانگر روش و سبک این مجموعه تدبری در خصوص مصادیق تدبر در قرآن کریم هستند.

۳-۱-۳. فعالیت‌های چشم‌گیر ملی و بین‌المللی

مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره، اولین مؤسسه‌ای است که به صورت تخصصی در حیطه تدبر در قرآن فعالیت می‌کند. تربیت صدها استاد و مربی از جمله اقدامات این مؤسسه بوده است. با شکل‌گیری کلاس‌ها و جلسه‌های آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن، چه در مدارس و دانشگاه‌ها و چه در مساجد و مراکز عمومی، به تدریج یکی از نخستین مراحل انس با قرآن در سطحی گسترده فراهم شد. از آنجایی که برخی از علاقمندان به فهم قرآن و سیره اهل بیت به دلیل اشتغال، تحصیل و بُعد مسافت زمینه شرکت در دوره‌های حضوری را ندارند، بستر فهم علاقمندان به قرآن و عترت از سوی مؤسسات قرآنی فراهم آمده است، لذا مؤسسه تدبر در قرآن و سیره نیز اقدام به برگزاری دوره‌های نیمه‌حضوری و غیرحضوری تدبری در رشته‌های مختلف نموده است.

در تاریخ ۱۳۸۸/۰۲/۲۲ منشور توسعه فرهنگ قرآنی به عنوان اولین سند راهبری امور قرآنی کشور در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید که

چهارمین محور از محورهای اهداف آموزش عمومی قرآن کریم کشور، توانایی و التزام به تدبیر در آیات قرآن کریم است. در همین راستا مؤسسه تدبیر در قرآن و سیره اقدام به تولید بیش از ۱۴ محصول و برگزاری دوره‌های تخصصی و عمومی در سطح کشور نموده است.

همچنین اولین محور از محورهای اهداف آموزش عمومی قرآن کریم، اعتقاد قلبی به جایگاه پیامبر و اهل بیت به عنوان تبیین‌کنندگان علمی و عملی قرآن، و محبت و مودت نسبت به قرآن و اهل بیت است. در همین راستا مؤسسه تدبیر در قرآن و سیره اقدام به تولید بیش از ۷ محصول در زمینه‌های تبیین مبانی، مبادی و روش تدبیر در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) و آشنایی با سیره اجتماعی، سیاسی و عبادی معصومان کرده است و هم اکنون نیز دوره‌های آموزشی عمومی و تربیت مربی آن برگزار می‌گردد.

همین‌طور نهمین محور از محورهای آموزش عمومی قرآن کشور عمل به آموزه‌های قرآن و اهل بیت در ابعاد مختلف زندگی است. در همین راستا مؤسسه تدبیر در قرآن و سیره با تولید ۱۱ محصول از جمله سیر عمل در قرآن و سیره و اقامه قرآن و برگزاری دوره‌های متعدد عمومی و تخصصی برای حوزویان، دانشگاهیان، فرهنگیان تربیت مربی در جهت ترویج عمل به آموزه‌های قرآن و اهل بیت قدم برداشته است.

طرح ملی تقرب، طرح ملی اولوا الالباب، طرح ملی تدبیر، طرح ملی تربیت سیاسی، طرح ملی تربیت فطری، طرح استانی سبک زندگی، طرح استانی اهل ذکر، طرح استانی تبارک، طرح استانی ابلاغ نور، طرح استانی تدبیر در سیره اهل بیت علیهم‌السلام برای طلاب خراسان جنوبی، طرح استانی تدبیر در قرآن برای طلاب خراسان شمالی، طرح استانی تدبیر در قرآن برای فرهنگیان از جمله دوره‌های مختلف عمومی و تخصصی است که در قالب طرح‌های ملی و کشوری اجرا شده است.

از آنجا که قرآن هویتی جهانی دارد و عرصه هدایتی آن منحصر به جوامع اسلامی نیست، این مؤسسه نیز عرصه فعالیت‌های خود را محدود به جمهوری اسلامی ایران ننموده و در عرصه سایر کشورهای اسلامی نیز نقش‌آفرین است. لذا کتاب تدبر در قرآن با حمایت برخی از قرآنیان کشور بحرین به زبان عربی ترجمه و چاپ شده است. همچنین کتاب تدبر موضوعی قرآن به زبان عربی و کتاب تدبر در قرآن جزء ۳۰ به زبان عربی ترجمه و چاپ شده است. برخی از سوره‌ها و سیره‌های اهل بیت علیهم‌السلام نیز به زبان انگلیسی ترجمه شده است و ترجمه باقی کتاب‌ها به زبان انگلیسی و اردو، در حال رایزنی و مذاکره است. همچنین این مؤسسه در تلاش است تا بسته‌ای مناسب برای جوانان آمریکای شمالی و اروپا فراهم آورد تا آنها بتوانند از طریق متن قرآن با اسلام آشنا شوند.

۳-۱-۴. توجه به سیره در کنار قرآن

از جمله نقاط قوت این مؤسسه توجه به سیره و درس گرفتن از آن در کنار تدبر در قرآن کریم است، زیرا با توجه به حدیث ثقلین، تمسک به قرآن در کنار تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام در نظر گرفته شده و الگوی مفهومی مطرح شده در آیات قرآن کریم همراه با مصداق‌های آن در سیره، جنبه‌های کاربردی به خود گرفته است. زیرا قرآن کریم، صامت است و نیاز به الگوی عملی و معلم دارد تا به صورت مصداقی قابل فهم و دریافت باشد.

بر همین اساس این مؤسسه روند تدبر در سیره رهبران یعنی سیره اهل بیت علیهم‌السلام و نیز سیره انبیا بر اساس قرآن کریم و در کنار آن سیره رهروان که عبارت است از سیره مادران اهل بیت علیهم‌السلام، سیره امامزادگان همچون حضرت عباس

علیه السلام، حضرت علی اکبر علیه السلام، و نیز سیره دختران اهل بیت علیهم السلام همچون حضرت زینب علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام را در پیش گرفته است. همچنین این مؤسسه در راستای عمل به سیره و تدبیر در آن به تألیف کتبی همچون «روش تدبیر در سیره»، «سیره تمدن ساز اهل بیت علیهم السلام» و «امام شناسی» نیز پرداخته است. این کتب و سایر کتب سیره در راستای حدیثی است که روزهای هفته را مطابق با هر یک یا عده ای از معصومان علیهم السلام می داند. بر اساس این حدیث، روز شنبه منتسب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و روز یکشنبه به امیرالمؤمنین علیه السلام، دوشنبه به حسنین علیهما السلام، سه شنبه به امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام، چهارشنبه به امام کاظم و امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام، پنجشنبه به امام حسن عسکری علیه السلام و روز جمعه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است (خصیبی، ۱۴۱۹: ۳۶۳).

بر این اساس دوره اول، دوره تأسیس تمدن و حیانی، دوره دوم دوره تثبیت تمدن و حیانی، دوره سوم دوره دفاع از تمدن و حیانی، دوره چهارم دوره تبیین علمی و فرهنگی تمدن و حیانی، دوره پنجم دوره ترویج و عمومی سازی فرهنگ تمدن و حیانی، دوره ششم دوره توانمندسازی برای عصر غیبت و دوره هفتم دوره جهانی سازی تمدن و حیانی است (الهی زاده، ۱۳۹۷: ۶۱) که می تواند به عنوان الگو و سیر پیاده سازی دین در جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

۳-۲. نقاط ضعف

در این بخش به برخی از آسیب هایی که ممکن است این مجموعه دچار آن باشد، اشاره می کنیم.

۳-۲-۱. گریز از تفسیر به اسم تدبر

امروزه وقتی به دنبال یافتن روش و منطق فکری حاکم بر مسیر تدبر هستیم، متوجه می‌شویم که در واقع همان روش‌هایی که برای ترجمه و تفسیر قرآن کریم مورد استفاده قرار گرفته، در اینجا هم مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ منتهی به جای عنوان ترجمه و تفسیر، از عناوینی همچون «معنای تدبری»، «ترجمه تدبری» یا خود «تدبر» استفاده می‌کنند.

به عنوان نمونه در بحث‌های تدبری سورة بقره در ذیل آیات ۱۲۲ تا ۱۴۱ پس از ترجمه آیات، گام اول با عنوان تفهیم واژه‌های مشکل قرار دارد که در این بخش دوازده مورد از مفردات نسبتاً مشکل این آیات همچون «عدل: معادل، تاوان»، «مثابه: میعادگاه، محل بازگشت، محل اجتماع»، «صبغة: رنگ» و «خلت: گذشت، سپری شد» به همراه ترجمه فارسی آنها آورده شده است (الهی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۵۴).

در گام دوم نیز که عبارت است از تفهیم ساختار آیه، بحث‌هایی همچون انقطاع کلام و دلیل جدایی آن از سیاق قبلی، بحث‌های ادبی همچون ظرف زمان و جمله عطف و معطوف علیه و نهایتاً بررسی نوع حروف همچون «ام منقطعه» و اسامی اشاره همچون «تلك» است (الهی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۵۵-۱۵۳).

در مقام مقایسه این شیوه با برخی تفاسیر معاصر، باید گفت در تفاسیر نیز چنین روشی دنبال می‌شود، ولی ممکن است تحت عنوان گام اول یا دوم نباشد، اما کلیت آن همین است که در ابتدا اگر تفسیر به زبان فارسی باشد، یک ترجمه مطابقی و کوتاه ارائه می‌شود و سپس به توضیحات بیشتر در ذیل عنوان تفسیر پرداخته می‌شود (به عنوان نمونه رک: مکاری شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۴: ۶۹). کما اینکه همین سیاق‌بندی در تدبر و نیز تقسیم تدبر به تدبر ترتیبی و موضوعی، برگرفته از همان سنت تفسیری و

تقسیم تفسیر به تفسیر موضوعی و تفسیر ترتیبی است. در این راستا به عنوان مثال تفسیر نمونه و المیزان مطالعه موردی می‌شوند.

در تفسیر نمونه در ذیل همین آیات ابتدا آیه ۱۲۲ و ۱۲۳ را به عنوان یک واحد معنایی در نظر گرفته ولی سخنی از سیاق نشده است. در ذیل این دو آیه ابتدا یک معنای مختصر به عنوان ترجمه ذکر شده و در ادامه تحت عنوان تفسیر به شرح و توضیح بیشتر در خصوص این آیات در حجمی حدوداً دو صفحه‌ای پرداخته است (مکارم، ۱۳۷۱، ۱: ۴۳۳). لذا در اینجا نیز می‌بینیم که همان مباحث و چه بسا به صورت مختصرتر نسبت به کتب تدبری، ولی تحت عنوان ترجمه و تفسیر آمده است. در تفسیر المیزان نیز در ذیل همان آیات ۴۷ و ۴۸ بحث شده و با توجه به اینکه بحث شفاعت ظاهراً برای اولین بار در این آیات اشاره شده؛ مرحوم علامه در اینجا بحث مفصلی در خصوص شفاعت دارند و درباره معنا و ماهیت آن، اشکالات وارد بر آن، شفاعت‌شوندگان که چه کسانی هستند و چه شرایطی باید داشته باشند، شفاعت‌کنندگان و اینکه آنها نیز چه شرایطی باید داشته باشند، موضوع شفاعت یعنی اینکه شفاعت در چه مواردی اجرا می‌شود همچون گناه، زمان شفاعت و اینکه در چه زمانی سود می‌رساند و نهایتاً به مباحث روایی مربوط به شفاعت به صورت مفصل و مستدل بر مبنای آیات و روایات به توضیح و تبیین مسئله شفاعت می‌پردازند و در ادامه نیز بحث‌های فلسفی و اجتماعی شفاعت را بیان می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱: ۱۵۵-۱۸۶).

بر این اساس و با توجه به روندی که در این تفاسیر نشان داده شد، مسیر جریان تدبری نیز به همین صورت است و محتوای آن نیز تقریباً شبیه است، منتهی ممکن است در برخی موارد به تناسب بحث مختصرتر باشد، اما این اختصار موجب تغییر

ماهیت بحث از ترجمه یا تفسیر به تدبر نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان مدعی شد که این روش یا محصول تفاوت ماهوی چندانی با تفسیر یا ترجمه و شرح دارد. با توجه به آنچه بیان شد به نظر می‌رسد به علت قداست و ترس از واژه تفسیر و احادیثی که پیرامون دوری از تفسیر به رأی وارد شده است، نوعی نگاه ترسناک نسبت به تفسیر وجود دارد که سبب می‌شود در قبال آن موضع‌گیری وجود داشته باشد، چه در استفاده از تفسیر توسط عموم جامعه و چه در بیان آن توسط نخبگان میانی که منتقل‌کننده سنت تفسیری به عموم جامعه هستند. در چنین شرایطی است که مفهومی همچون تدبر در قرآن می‌تواند مأمّن مناسبی برای برطرف ساختن چنین مشکلاتی باشد. زیرا از یک سو بار منفی موجود در واژه تفسیر را در خود ندارد و از سوی دیگر، بنا بر خود آیات قرآن کریم، همه مردم به تدبر دعوت شده‌اند و این دعوت به نوعی است که نه تنها جواز آن را صادر می‌کند، بلکه در مواردی لزوم آن و توییح بر عدم آن را نیز می‌رساند. کما اینکه در آیه سوره محمد چنین مفهومی را مشاهده می‌کنیم: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا) (محمد / ۲۴).

۳-۲-۲. ضعف در کاربردی ساختن تدبر

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بحث تدبر در قرآن کریم، بحث عمل به قرآن و پیروی از آن در تمامی ساحات زندگی فردی و اجتماعی انسان است. لذا اگر مبنای کار این است که تدبر به معنای حقیقی و واقعی آن را برپا داشت و در جهت اقامه قرآن کریم تلاش کرد، باید آن را در مرحله عمل هم پیاده‌سازی کرد. هر چند این مجموعه اثری به نام «درسنامه سیر عمل در قرآن و سیره» و نیز «اقامه قرآن» دارد، ولی باز هم همه این آثار، بیان نظری و مبنایی عمل است و اینکه در میدان عمل تا چه میزان نتیجه و اثر داشته است، امری است که تاکنون موفقیت چندانی کسب نکرده است.

بررسی آیات مشتمل بر واژه تدبیر نشان می‌دهد مفهوم تدبیر در بطن خود ویژگی عمل را هم دارد (کریمی، ۱۳۹۳: ۱۵۹)، ولی اگر در معنای تدبیر هم، چنین مفهومی وجود نداشت، نباید به صرف بیان نکات تدبیری در قرآن اکتفا کنیم، بلکه باید بکوشیم آن را در میدان عمل نیز اجرا کنیم، چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی. زندگی اجتماعی هم تنها منحصر به روابط خویشاوندی و همسایگی نیست؛ بلکه یکی از مهم‌ترین ساحت‌های اجتماعی، ساحت حکومت اسلامی و جامعه اسلامی که نیاز است قوانین و مقررات بر پایه احکام اسلامی تنظیم گردد. در این صورت است که طعم واقعی قرآن کریم حس خواهد شد.

ولی اگر تنها به ساحت فردی اکتفا کرده و نظام‌های اجتماعی و حکومتی تغییری نکردند و بر مبنای قرآن کریم و سنت معصومین علیهم السلام نبودند، به تدریج دوباره آن افراد را در خود هضم می‌کنند، لذا نه تنها جامعه ایمانی به معنای حقیقی آن تحقق نمی‌یابد، بلکه افراد با ایمان نیز در این نوع جوامع به تدریج تنها اسمی از ایمان را یدک خواهند کشید. چون در ساحت عمل، عملاً نمی‌توانند کاری از پیش ببرند و در بیشتر موارد هم محکوم نظامات اجتماعی هستند.

بر این اساس تا نظامات اجتماعی و حکومتی جامعه اصلاح نشود، حتی اگر تک‌تک افراد بخواهند دیندار و قرآنی باشند، شاهد جامعه قرآنی و اقامه قرآن نخواهیم بود. لذا چنین مؤسسه‌ای که در زمینه تدبیر در قرآن کریم فعال هستند، علاوه بر تربیت «افراد» قرآنی، باید سعی در تغییر نظامات اجتماعی نیز داشته باشند تا این افراد قرآنی بتوانند به همین صورت در جامعه‌ای قرآنی فعالیت کنند. البته ممکن است رویکرد این مؤسسات این باشند که بگویند ما قدم اول را که تربیت افراد قرآنی است برداشته‌ایم و بیش از آن در دسترس ما نیست. در این خصوص نیز باید بگوییم که در این صورت

نقد و تحلیل جریان تدبری «مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره» / کپکی ۲۴۳

بیشتر زحماتشان «کأن لم یکن» خواهد شد و این عمل مانند پرورش ماهی و سپس رها کردن آن در بیابان است که به زودی تلف خواهد شد.

اگر می‌خواهیم که این مسیر ادامه یابند و به نتیجه برسند، باید در حد توان، برای مراحل بعدی آن نیز برنامه داشته باشند. به عنوان مثال شبیه به کتاب «تدبر در قرآن برای نوجوانان»، می‌توان تدبر در قرآن برای مسئولین و کارگزاران نظام نوشت و در جلساتی نیمه‌خصوصی و نه لزوماً علنی، موارد حداقلی در رفتار قرآنی و دینی را به آنها گوشزد کرد تا دیگر حجتی مبنی بر جهل به این موارد را نداشته باشند. البته این یک پیشنهاد حداقلی است و راهکار اصلی همان طراحی نظام‌های اجتماعی بر مبنای قرآن و سنت معصومان علیهم السلام است.

۳-۲-۳. مبانی فکری متفاوت در بین اساتید تدبر

از جمله مواردی که ممکن است قرآن‌آموزان را دچار حیرت و در نتیجه برداشت‌های ناقص و بعضاً نادرست نماید، وجود مبانی فکری متفاوت در بین اساتیدی است که در حال آموزش تدبر قرآن هستند. البته این امر، امری طبیعی است که هر انسانی با توجه به ظرفیت‌ها و مطالعاتی که در طول سال‌ها داشته است، مبانی فکری خاص خودش را داشته باشد. اما از آنجا که این مبانی و پیش‌فرض‌ها در فرآیند تدبر قرآن کریم مؤثر هستند، ضروری است تا روندی جهت هماهنگی در بین اساتید برقرار شود تا هم موجب هم‌افزایی و گسترش حیطه علمی اساتید شده و هم از پراکندگی آموزش‌ها به متدبران جلوگیری شود (<https://mftqs.ir/product-category/lessons>) (مصاحبه با حجة الاسلام مهدی مقامی، ۱۴۰۳/۰۷/۰۷).

۴- نتایج

مؤسسه تدبر در قرآن و سیره یکی از مؤسساتی است که موفقیت چشمگیری در ترویج معارف قرآنی در بین اقشار مختلف مردم داشته است. این مؤسسه با بهره‌گیری از اساتید مجرب در این زمینه، با سرمایه‌گذاری خاص بر تدبر موضوعی بر اساس همراهی قرآن و سیره و منطق فکری محکم و استوار مبتنی بر نظام فکری علامه طباطبائی توانسته است تا مبانی و روش‌های تدبر در قرآن را به خوبی ارائه کند و در عرصه نخبگانی نیز به تربیت مربیان تدبر بپردازد. در عرصه بین‌المللی نیز به ترجمه و تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام از طریق مجامع علمی همچون جامعه المصطفی‌العالمیه می‌پردازد.

با توجه به نو بودن جریان تدبر در مجامع اسلامی و بالتبع در کشور، لازم است تا ضوابط تدبر به صورت دقیق‌تری تعیین شود تا از آسیب‌هایی همچون گریز از تفسیر به اسم تدبر جلوگیری شود. همچنین روندهایی جهت کاربردی ساختن مباحث تدبر پیش‌بینی شود تا تدبر در حیطه نظری صرف باقی نماند. هدف نهایی قرآن کریم عمل به قرآن در ساحت فرد و اجتماع است.

با توجه به نتایج این مقاله، انتظار می‌رود که سایر جریان‌های تدبری نیز از نقاط قوت این مؤسسه همچون توجه به سیره در کنار قرآن کریم و نیز توجه به فعالیت‌های ملی و بین‌المللی غافل نشوند. از سوی دیگر، جریان‌های تدبر از آسیب‌هایی همچون گریز از تفسیر به اسم تدبر، دوری کرده و با تقویت مربیان خود از تشنگی آرا در بین قرآن‌آموزان جلوگیری نمایند. در این صورت در آینده‌ای نزدیک می‌توان شاهد هم‌افزایی و فعالیت‌های مشترک جریان‌های تدبری بود که با محوریت قرآن در راستای حل معضلات فرهنگی کشور در آموزش و پرورش و سایر بخش‌های جامعه کارایی لازم را خواهند داشت.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه محمدرضا صفوی (۱۳۸۸)، ترجمه قرآن بر اساس المیزان، قم: معارف.
- الهی زاده، محمدحسین (۱۳۹۲). درسنامه تدبر در قرآن، جزء ۳۰. مشهد: مؤسسه تدبر در قرآن و سیره.
- _____ (۱۳۹۲) ب. درسنامه تدبر در قرآن، جزء ۲۹-۲۸. مشهد: مؤسسه تدبر در قرآن و سیره.
- _____ (۱۳۹۳). درسنامه تدبر موضوعی قرآن (مبادی، مبانی، روش و نمونه). مشهد: آستان قدس.
- _____ (۱۳۹۴). درسنامه تدبر ترتیبی قرآن (مبانی، مبادی و روش). مشهد: آستان قدس.
- _____ (۱۳۹۵). درسنامه تدبر در قرآن، جزء ۲۵-۲۴ (از سوره غافر تا سوره احقاف. حوامیم سبعه). مشهد: مؤسسه تدبر در قرآن و سیره.
- _____ (۱۳۹۵). درسنامه تدبر در قرآن، جزء ۲۷-۲۶ (از سوره حدید تا سوره محمد صلی الله علیه و آله). مشهد: مؤسسه تدبر در قرآن و سیره.
- _____ (۱۳۹۵). درسنامه سیر عمل در قرآن و سیره. مشهد: مؤسسه تدبر در قرآن و سیره.
- _____ (۱۳۹۶). درسنامه اقامه قرآن. مشهد: آستان قدس.
- _____ (۱۳۹۶). درسنامه تدبر در قرآن، جزء ۲-۱. مشهد: مؤسسه تدبر در قرآن و سیره.
- _____ (۱۳۹۶) ب. تدبر در قرآن برای نوجوانان (راهنمای تدریس). مشهد: مؤسسه تدبر در قرآن و سیره.
- _____ (۱۳۹۷). درسنامه روش تدبر در سیره. مشهد: مؤسسه تدبر در قرآن و سیره.
- _____ (۱۳۹۸). نظام عدالت در قرآن و سیره. مشهد: مؤسسه تدبر در قرآن و سیره.
- _____ (۱۴۰۳). درسنامه روش تدبر در قرآن. مشهد: مؤسسه تدبر در قرآن و سیره.

- خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹). الهدایة الکبری، بیروت: البلاغ.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار القلم.
- زمخشری، محمود (۱۹۷۹)، اساس البلاغه، بیروت: دار صادر.
- سایت انتشارات تدبر در قرآن و سیره. (۱۴۰۳/۱۱/۰۹). قابل دسترسی در: <https://book-tadabbor.ir>
- سایت بیانات مقام معظم رهبری. (۱۴۰۳/۰۷/۰۳). قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech>
- سایت مؤسسه تدبر در قرآن و سیره. (۱۴۰۳/۱۰/۱۳). قابل دسترسی در: <https://mftqs.ir>
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. (احمد حسینی اشکوری، محقق). تهران: مرتضوی.
- عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۹۱). المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم. قم: ژکان.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الافاق الجديدة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین، قم: هجرت.
- فریدونی، محمدحسین؛ شیخ بهایی، محمدوحید (۱۳۹۲). آشنایی با منشور توسعه فرهنگ قرآنی، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، محققین). تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کهنکی، مهدی (۱۳۹۸). پایان نامه کارشناسی ارشد «مفهوم شناسی «اقامه دین» و چگونگی تحقق آن از منظر آیات و روایات». تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۱) روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، قم: بوستان کتاب.
- مرادی زنجانی، حسین. (۱۳۹۸). روش ها و شیوه های تدبر در قرآن کریم. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- مصاحبه با حجة الاسلام مهدی مقامی، مدیر مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره، انجام شده در تاریخ: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷ ش.

نقد و تحلیل جریان تدبری «مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره» / کهکی ۲۴۷

- مقامی، مهدی (۱۳۹۵). سیمای تدبر در قرآن. مشهد: تدبر در قرآن و سیره.
- _____ (۱۳۹۶). تدبر در قرآن از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی. مشهد: تدبر در قرآن و سیره.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (گروهی از نویسندگان، محقق). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نصرتی، حمید (۱۳۹۶). بررسی و نقد دو شیوه رایج تدبر در قرآن در ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- نقی پورفر، ولی الله (۱۳۷۴). پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن کریم. دوم، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه.

Bibliography

- Abd al-Baqi, Muhammad Fu'ad. (1391SH). Al-Mu'jam al-Mufahras li-Alfaz al-Qur'an al-Karim. Qom: Zhekan [In Arabic].
- Al-Khalil ibn Ahmad al-Farahidi. (1409AH). Kitab al-Ayn. Qom: Hijrat [In Arabic].
- Al-Khusaibi, Husayn ibn Hamdan. (1419AH). Al-Hidaya al-Kubra. Beirut: Al-Balagh [In Arabic].
- Al-Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. (1407AH). Al-Kafi (Ali Akbar Ghaffari & Muhammad Akhundi, Eds.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya [In Arabic].
- Al-Raghib al-Isfahani, Husayn ibn Muhammad. (1412AH). Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an. Beirut: Dar al-Qalam [In Arabic].
- Al-Tarihi, Fakhr al-Din ibn Muhammad. (1375SH). Majma' al-Bahrain (Ahmad Husayni Ashkuri, Ed.). Tehran: Mortazavi [In Persian].
- Al-Uskari, Hasan ibn Abdullah. (1400AH). Al-Furuq fi al-Lugha. Beirut: Dar al-Afaq al-Jadida [In Arabic].
- Al-Zamakhshari, Mahmoud. (1979). Asas al-Balagha. Beirut: Dar Sader [In Arabic].
- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1392SH). Darsnameh-ye Tadabbur dar Qur'an, Juz' 30. Mashhad: Institute of Tadabbur in Qur'an and Sirah [In Persian].
- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1392SH). Darsnameh-ye Tadabbur dar Qur'an, Juz' 28-29. Mashhad: Institute of Tadabbur in Qur'an and Sirah [In Persian].
- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1393SH). Darsnameh-ye Tadabbur-e Mowzu'i-ye Qur'an (Mabadi, Mabani, Ravesh va Nemuneh). Mashhad: Astan-e Qods [In Persian].
- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1394SH). Darsnameh-ye Tadabbur-e Tartibi-ye Qur'an (Mabani, Mabadi va Ravesh). Mashhad: Astan-e Qods [In Persian].

- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1395SH). Darsnameh-ye Seyr-e Amal dar Qur'an va Sirah. Mashhad: Institute of Tadabbur in Qur'an and Sirah [In Persian].
- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1395SH). Darsnameh-ye Tadabbur dar Qur'an, Juz' 24-25 (Az Sureh-ye Ghafer ta Sureh-ye Ahqaf, Hawamim-e Sab'eh). Mashhad: Institute of Tadabbur in Qur'an and Sirah [In Persian].
- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1395SH). Darsnameh-ye Tadabbur dar Qur'an, Juz' 26-27 (Az Sureh-ye Hadid ta Sureh-ye Muhammad (SAW)). Mashhad: Institute of Tadabbur in Qur'an and Sirah [In Persian].
- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1396SH). Darsnameh-ye Eqameh-ye Qur'an. Mashhad: Astan-e Qods [In Persian].
- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1396SH). Darsnameh-ye Tadabbur dar Qur'an, Juz' 1-2. Mashhad: Institute of Tadabbur in Qur'an and Sirah [In Persian].
- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1396SH). Tadabbur dar Qur'an baraye Nojavanan (Rahnamaye Tadris). Mashhad: Institute of Tadabbur in Qur'an and Sirah [In Persian].
- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1397SH). Darsnameh-ye Ravesh-e Tadabbur dar Sirah. Mashhad: Institute of Tadabbur in Qur'an and Sirah [In Persian].
- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1398SH). Nezam-e Edalat dar Qur'an va Sirah. Mashhad: Institute of Tadabbur in Qur'an and Sirah [In Persian].
- Elahi-Zadeh, Mohammad Hossein. (1403SH). Darsnameh-ye Ravesh-e Tadabbur dar Qur'an. Mashhad: Institute of Tadabbur in Qur'an and Sirah [In Persian].
- Fereiduni, Mohammad Hossein, & Sheikh Bahaei, Mohammad Vahid. (1392SH). Ashnai ba Manshur-e Tose'eh-ye Farhang-e Qur'ani. Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution [In Persian].
- Institute of Tadabbur in Qur'an and Sirah Website. (2022 Jun 23). Retrieved from <https://mftqs.ir/> [In Persian].
- Interview with Hujjat al-Islam Mahdi Maqami, Director of the Institute of Tadabbur in Qur'an and Sirah, conducted on 07/07/1403SH [In Persian].
- Kihaki, Mahdi. (1398SH). Mafhum-shenasi-ye "Eqameh-ye Din" va Chegunegi-ye Tahaghoq-e An az Manzar-e Ayat va Revayat (Master's thesis). Tehran: Imam Sadiq University [In Persian].
- Lassani Fesharaki, Mohammad Ali, & Moradi Zanjani, Hossein. (1391SH). Ravesh-e Tahqiq-e Mowzu'i dar Qur'an-e Karim. Qom: Bustan-e Ketab [In Persian].
- Makarem Shirazi, Naser (Ed.). (1371SH). Tafsir-e Nemuneh (Group of Authors). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya [In Persian].
- Maqami, Mahdi. (1395SH). Simaye Tadabbur dar Qur'an. Mashhad: Tadabbur in Qur'an and Sirah [In Persian].
- Maqami, Mahdi. (1396SH). Tadabbur dar Qur'an az Negah-e Rahbar-e Mo'azzam-e Enqelab-e Islami. Mashhad: Tadabbur in Qur'an and Sirah [In Persian].

- Moradi Zanjani, Hossein. (1398SH). Ravesh-ha va Shiveh-haye Tadabbur dar Qur'an-e Karim. Qom: Research Institute of Hawzeh and University [In Persian].
- Naqipourfar, Valiollah. (1374SH). Pajuheshi Piramun-e Tadabbur dar Qur'an-e Karim (2nd ed.). Tehran: Osveh Publications, Organization of Awqaf and Charity Affairs [In Persian].
- Nasrati, Hamid. (1396SH). Barresi va Naqd-e Do Shiveh-ye Rayej-e Tadabbur dar Qur'an dar Iran (Master's thesis). Tehran: Allameh Tabataba'i University [In Persian].
- Qur'an-e Karim, Translated by Mohammad Reza Safavi. (1388SH). Tarjomeh-ye Qur'an bar Asas-e Al-Mizan. Qom: Ma'aref [In Persian].
- Supreme Leader's Statements Website. (2019 May 3). Retrieved from <http://farsi.khamenei.ir/speech> [In Persian].
- Tadabbur in Qur'an and Sirah Publications Website. (2023 Apr 15). Retrieved from <https://book-tadabbor.ir/> [In Persian].

